

تمدن اسلامی چیست؟

■ شهرسازی بارزترین نماد تمدن است.

آیا جهادگرانی که اسلام را گسترده شهرسازی می‌دانستند؟

نه. زیرا یا بیابانیان چادرنشین بودند یا از مکه و مدینه آمدند که دو روستای بسیار عقب‌مانده و پرتافتاده از حاشیه تمدن جهانی بودند.

■ جاده سازی نماد تمدن است.

آیا جهادگرانی که اسلام را گسترده جاده سازی می‌دانستند؟

نه. بیابان‌گردانی بودند که مسیرشان را با نشانه کردن ستاره و خورشید می‌پیمودند و نیاز به جاده نداشتند تا جاده سازی آموخته باشند.

■ پل سازی نماد تمدن است.

آیا جهادگرانی که اسلام را گسترده پل سازی را می‌شناختند؟

نه. تا وقتی که به ایران آمدند نمی‌دانستند که پل چه گونه ساخته می‌شود.

■ صنعت نماد تمدن است.

آیا جهادگرانی که اسلام را گسترده صنعتی داشتند؟

نه. صنعتگری و صنعتگران را خوار می‌شمردند.

■ تشکیلات دولتی برترین نماد تمدن است.

آیا اسلامیانی که به‌خاورمیانه آمدند تشکیلات دولتی را می‌شناختند؟

نه. آنها با بدایی‌ترین شکل حکومت و دولت نیز آشنا نبودند و تنها نهادی که می‌شناختند قبیله بود و تنها شکل زندگی جمعی که می‌شناختند زندگی قبیله‌یی بود.

■ اسلام وقتی به شمشیر جهادگران عرب در خاورمیانه سلطه یافت نه شهرسازی می‌دانست نه جاده سازی نه

پل‌سازی را می‌شناخت. نه صنعتی داشت. از میان همه هنرهای جهان متمدن نیز تنها چیزی که داشت «شعر»

بود. همین. نه یک‌ده‌سازی نه نگارگری نه تزیینات معماری نه زیباسازی زندگی شهری را می‌شناخت و نه

موسیقی و نه بازیهای تفریحی مردم متمدن را می‌دانست و نه هیچ ایده‌ای از دولت و تشکیلات دولتی داشت.

■ تنها هنری که عربهای جهادگر می‌دانستند ویران کردن تأسیسات تمدنی بود.

ترجمه نوشته ئی از مقدمه ابن خلدون بخوانیم:

«عربها وقتی بر سرزمینهای دست یابند آن سرزمینها با شتاب رو به ویرانی می‌رود؛ زیرا عربها ذاتاً خوی

وحشی‌گری دارند و این خو در آنها ریشه‌دار است و تبدیل به خلیقیات و رفتارهای جمعی‌شان شده است... و این

به آن سبب است که آنها اهل یک‌جانشینی نیستند بل که در نقل و انتقال برای دست‌یابی به غنائم‌اند، و این امر

با آبادسازی منافات دارد، زیرا آبادسازی لازمه‌اش یک‌جانشینی است. به‌عنوان مثال، سنگ در نظر آنها ابزاری

برای ساختن کانون آتش است تا دیگ بر رویش بگذارند؛ از این‌رو سنگ دیوار خانه را یرمی‌کنند تا کانون آتش

بسازند؛ یا کاربرد تیر چوبین به‌نظر آنها برای ستون خیمه است، و از این‌رو سقف خانه را خراب می‌کنند تا

تیرش را برداشته تیرک چادر کنند... این حالت عمومی عرب است. عرب طبقاً گرایش به تاراج‌گری دارد و

می‌خواهد که آنچه در دست دیگران است را از آنها بگیرد؛ زیرا روزیش را توسط نیزه‌اش به‌دست می‌آورد.

عرب در گرفتن اموال دیگران هیچ حد و مرزی برای خودش نمی‌شناسد و همین‌که چشمش به مال و متاعی

افتاد آن‌را تاراج می‌کند... آنها ساخته‌های اهل حرفه و صنعت را به زور می‌گیرند و برای این ساخته‌ها بهائی

قابل نیستند و پاداش و نرخی نمی‌شناسند. و چنان‌که می‌دانیم هدف از صنایع و پیشه‌ها کسب مال است؛ و

اگر قرار باشد که هرچه ساخته شود بی‌مزد و بها برود دیگر تشویقی برای صنعت‌گر باقی نمی‌ماند و دستها از

ساختن بازمی‌مانند و صنعت از میان می‌رود. همچنین آنها عنایتی به بازاری مردم از فساد و جلوگیری از

بعضی به وسیله بعض دیگر ندارند؛ بل که همه هدفشان آن است که اموال مردم را به زور یا بهانه از دستشان

بیرون بکشند؛ و وقتی این هدف برایشان تحقق یابد از پرداختن به اصلاح امور مردم و اندیشه دربارهٔ مصالح

و منافع آنها خودداری می‌کنند و کسانی که فسادی می‌کنند را از فسادکاری باز نمی‌دارند. اگر کيفرهائی هم وضع کنند برای آن است که مال از دست ديگران بيرون بکشند. طبيعت آنها چنین است... بنگر به سرزمینهای که توسط آنها تسخير شد چه‌گونه تمدن در آنها فروپاشید و مردم در آنها تهی‌دست شدند و زمینهای آنها وضعيت اصلی‌اش را از دست داد!... در عراق همه آن ساخته‌های تمدنی که ایرانیان بنا کرده بودند نابود شد».

• به دلایل بالا، **نباید گفت تمدن اسلامی**. بلکه باید گفت **تمدن در سرزمینهای اسلامی شده**. تمدن از آن اسلامیان نبود، از آن مردمی بود که از قضای روزگار به زیر سلطه شمشیر جهادگران اسلام درآمدند. اسلام تمدن نساخت، اسلامیان بعدها برخی از اصول و ارزشهای تمدنی را از مردم سرزمینهای زیر سلطه‌شان پذیرفتند. از خودشان تمدن نداشتند.

هنر اسلامی چیست؟

🔴 نگارگری و پیکرتراشی (نقاشی و مجسمه سازی) نماز بارز هنر است. آیا اسلام نگارگری و پیکره سازی دارد؟ **نه**. ندارد بل که نگارگری و پیکرتراشی در اسلام ممنوع است. کسی که تصویر یک انسان یا حیوان زنده بسازد روز قیامت به او گویند: «تا وقتی که به این نگاره روح ندیده ای به بهشت نخواهی رفت. او نیز نخواهد توانست. پس نگارگر اهل جهنم است. پیکرتراشی که البته بت سازی است و عملی کافرانه است. هرگونه پیکره از نظر شرع اسلام باید نابود شود. کاری که طالبان در افغانستان با آن میراث بزرگ هنری و تمدنی بشریت کردند اجرای یک فرمان اسلامی بود. کارشان ننگ تاریخ بشر بود.

🔴 موسیقی نماد بارز هنر است. آیا اسلام موسیقی دارد؟

نه. در اسلام تار و تنبور نوازی ممنوع است (حرام است).

🔴 بزم افروزی و خنیا نماد بارز هنر است. آیا اسلام بزم افروزی و خنیاگری دارد؟

نه. در اسلام خنیاگری و بزم افروزی ممنوع است و چونکه هر بزم خنیا مستلزم باده و رقص است و این دو حرام است. آواز خوانی زنان حرام است. رقص زنان در حضور مردان حرام است. دیگر جنبه های هنر نیز در اسلام ممنوع یا مکروه است.

پس ما چیزی به نام **هنر اسلامی نداریم**. نباید گفت: «**هنر اسلامی**». باید گفت: «**هنر در سرزمینهای اسلامی شده**».

مسلمانان در کشورهای مسلمان نشین آثار هنری بسیاری از خود برجای نهاده اند که مایه فخر است. ولی کارشان خلاف اسلام بوده است و به احکام اسلامی توجه نداشته اند. اسلام قدرت نداشت که جلوشان را بگیرد.

فلسفه اسلامی چیست؟

برای آن که بدانید فلسفه در اسلام ممنوع است و فیلسوفان کافر استند کتاب پرآوازه امام ابو‌حامد غزالی را بخوانید عنوانش: **تهافت الفلاسفه**. دهها کتاب دیگر در همین زمینه توسط فقیهان بزرگ تألیف شده که فلسفه و فیلسوفان را تکفیر کرده اند.

همه کسانی که عنوان فیلسوفان اسلامی دارند در زمان خودشان مسلمان اسمی بوده اند و نزد فقیهان ملحد شمرده شده‌اند. در این زمینه استثناء وجود ندارد. ملحد بودن همگی شان اثبات شده است.

پس ما **فلسفه اسلامی نداریم**. فلسفه در سرزمینهای اسلامی شده داریم که نظریه پردازانش دانش وران برخاسته از خانواده های مسلمان بوده اند ولی خودشان انگ ملحد خورده اند. ردیف کنبد نامهای فیلسوفان ملحد را، از رازی و فارابی و ابن سینا و بیرونی تا سده هفتم هجری. تألیفات ابن سینا در برخی از تألیفات بزرگان مسلمان عنوان «کفریات ابن سینا» دارد. کفریات رازی که مشهور است. کفریات فارابی نیز همچنین. فلسفه «کفریات» است. کفریات نیز یعنی مخالف اسلام.